

ورود شخص ثالث و جلب شخص ثالث

مبحث پنجم از فصل هشتم از باب سوم قانون آئین دادرسی مدنی به ورود شخص ثالث و مبحث ششم از همین فصل و باب به جلب شخص ثالث اختصاص داده شده دعای ورود و جلب ثالث از دعای ناشناخته ای است که در قانون آئین دادرسی مدنی ذکر شده است ناشناخته نه از این حیث که برای محکمه و یا اصحاب دعوا نا آشنا باشد بلکه از این باب است که چگونگی طرح این دعای بر مردم روشن نیست به ویژه این که قانون هم از ماده ۲۷۰ تا ۲۸۳ یعنی جمعا در سیزده ماده آن را عنوان نموده است به همین جهت بحث و گفتگو در اطراف آن شاید بتواند کمی از معضلات و پیچیدگیهای آن را بگشاید بنابراین تا آنجا که ممکن بود سعی شده مطلب با زبانی ساده و دور از چهارچوب مواد خشک قانون و یا کلمات نامأنوس بیان گردد .

ابتدا به تعریف ثالث می پردازیم ببینیم کیست ؟ و به چه کسی اطلاق می شود ؟
در دعای مدنی و پرونده های مربوط علی الاصول خواهان و خوانده شرکت دارند که به آنان طرفین اصلی دعوا گفته می شود اما گاهی غیر از طرفین اصلی دعوا شخص دیگری هم در دعوی حقوقی شرکت و مداخله می نماید که چنین شخصی را ثالث گویند که ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد .

شخص ثالث گاه راساً خود در دعوی اصلی دخالت می نماید و زمانی بدون میل و اراده خویش به عبارت دیگری یکی از اصحاب دعوا او را به دادرسی می خواند حالت اول را ورود ثالث و حالت دوم را جلب ثالث می گویند بنابراین چون ورود ثالث و جلب ثالث از اموری هستند که در جریان رسیدگی به دعوا پیش می آیند آنان را در ردیف امور اتفاق مثل ایرادات و تأمین خواسته و غیره دانسته اند اکنون که از تعریف ثالث فراغت حاصل شد مطلب را تحت دو عنوان کلی ورود ثالث و جلب ثالث بررسی می نمائیم .

مبحث اول - ورود ثالث (مواد ۲۷۰ تا ۲۷۴ ق . آ . د . م .)

هر شخصی اعم از حقیق یا حقوقی که خود را در دعوی حقوقی بین دو نفر ذیحق بداند یا در حاکم شدن یکی از طرفین خود را ذینفع بداند می تواند با تقدیم دادخواست قبل از اعلام ختم رسیدگی وارد دعوا شود . بنابراین وارد ثالث تحت دو عنوان می تواند در دعوا دخالت نماید :

حالت اول : شخص ثالث برای خود مستقلاً حقی قائل است مثل این است که در دعوی مدنی مه بین طرفین اصلی راجع به مالکیت خانه ای مطرح است شخص ثالث مدعی شود که خانه مورد بحث متعلق به اوست و دعوی خواهان بر خوانده بی مورد است .

حالت دوم : شخص ثالث مستقلاً حقی برای خود قائل مستقلاً حقی برای خود قائل نیست بلکه خود را ذینفع در محق شدن یکی از طرفین اصلی دعوا می داند مثلاً در دعوی خلع ید از ملکی که در تصرف خوانده است و خواهان و خوانده هر يك خود را مالک آن می دانند شخص ثالث بخواهد برای اثبات مالکیت خوانده و کمک به او وارد دعوا شود و یا احتمالاً از خواهان حمایت نموده و برای کمک به او وارد شود . دعوی ورود ثالث از این دو حالت خارج نیست یعنی شخص ثالث یا ادعای حقی برای خود دارد یا به نفع یکی از طرفین وارد دعوا می شود .

چگونگی اقامه دعوی ورود ثالث و تشریفات رسیدگی

دعوی شخص ثالث باید به موجب دادخواست اقامه شود و مرجع تسلیم دادخواست دادگاهی است که دعوی اصلی در آن مطرح است در ستون خواهان نام ثالث قید می شود و طرفین دعوی اصلی نامشان در ستون خوانده خواهد بود و دعوی وارد ثالث به طرفیت آنان خواهد بود خواسته دعوی ورود ثالث یا همان خواسته دعوی اصلی است یا کمتر از آن ولی هیچ گاه خواسته بیشتر از خواسته دعوی اصلی یا مغایر با آن نمی تواند باشد بدین تویض که اگر ثالث خود را ذینفع در محق شدن یکی از طرفین بداند یا نسبت به تمام خواسته اصلی ادعای حقی نماید خواسته دعوی ثالث با خواسته دعوی اصلی مساوی و بی تفاوت است ولی اگر ثالث نسبت به يك قسمت از خواسته اصلی ادعای حقی نماید در این صورت میزان خواسته کمتر از خواسته دعوی اصلی است . وارد ثالث چون عنوان خواهان را دارد بایستی تشریفات را در موقع تقدیم دادخواست رعایت نماید بدین معنا که به مأخذ و میزان خواسته تنبیر التصاق نماید و دادخواست و مستندات آن به تعدادخوانندگان به اضافه يك نسخه باشد و رونوشت یا فتوکپی مستندات را مصداق نماید . جریان دعوا از حیث دادرسی عادی و اختصاصی تابع دادرسی همان محکمه است یعنی در دادگاه بخش که دعوا به طور اختصاری رسیدگی می شود به دعوی وارد ثالث هم اختصاری رسیدگی می شود و در دادگاه شهرستان تابع دادرسی اصلی و در مرحله پژوهش به صورت مبادله لوایح است .

موعد تقدیم دادخواست ورود ثالث

دادخواست ورود ثالث را می توان تا مادام که اعلام ختم رسیدگی نشده است در هر يك از مراحل بدوي یا پژوهشي به دادگاه نخستین یا پژوهش که دعوي اصلي در آن مطرح است تقدیم نمود اقامه دعوي وارد ثالث در مرحله پژوهشي استثنائي است بر قاعده اصلي دو درجه بودن دادرسي که ماده ۷ ق . آ . د . م . می گوید در رسیدگی ماهيتي به هر دعوائي دو درجه پژوهشي نخستین دارد و ماده ۸۰ قانون مذکور صراحت دارد که هیچ دعوائي نمی توان در درجه پژوهش رسیدگی نموده مادام که در درجه نخستین در آن باب حکمي صادر نشده است مگر در وادي که قانوناً استثناء شده باشد و دعوي وارد ثالث يکي از آن موارد استثنائي است که می شود ابتداء در مرحله پژوهشي عنوان نموده اما در اعاده دادرسي همان طوري که ماده ۶ ق . آ . د . م . صراحت دارد غير از طرفين دعوي شخص ديگري به هیچ عنوان نمی تواند داخل در دعوي شود . بنابراین شخص ثالث نمی تواند در اعاده دادرسي شود .

ابطال دادخواست ورود ثالث

اگر دادخواست ورود ثالث ناقص باشد و پس از اخطار رفع نقض از جانب مدير دفتر تکميل نشود قرار رد آن صادر می گردد يا اين که ثالث براي توضیح دعوت ، ولي حاضر نگردد قرار ابطال دادخواست صادر می شود يا بر اثر محرز نبودن سمت خواهان قرار رد دعوا صادر می گردد رد يا ابطال دادخواست يا رد دعوي ثالث مانع ورود او در مرحله پژوهش نخواهد بود .

ايراد به ورود ثالث

هر يك از طرفين دعوي اصلي می توانند به ورود شخص ثالث ايراد نمايند مثلاً چنان چه شخص ثالث نفعي از ذيق شدن يکي از طرفين دعوا ندارد يا اعداي او با خواسته دعوي اصلي مغاير باشد در اين مورد دادگاه مکلف قبل از رسیدگی به دعوا تکليف ايراد مذکور را معين نمايند يعنی اگر ايراد را وارد بداند قرار رد دعوي ثالث را می دهد و ادعای وارد ثالث را قبول نمی کند و اين قرار رد برخلاف اصل کلي که در شق ۵ ماده ۴۷۸ ق . آ . د . م . ذکر شده به موجب ماده ۲۷۱ قانون مذکور قطعي است چه از جمله قرار هائي که به تنهائي قابل پژوهش است قرار رد دعوي يا عدم استماع آن است ليکن در مورد قرار رد دعوي وارد ثالث قابل تعميم نيست و قرار مذکور قطعي است . ولي قرار رد دعوي ثالث مانع از اين نيست که شخص ثالث دعوا جداگانه اقامه کند يا اگر قرار از دادگاه نخستین صادر شده باشد در مرحله پژوهش دادخواست بدهد و وارد دعوا شود .

تفكيك دعوي ثالث از دعوي اصلي

هر گاه بر دادگاه ثابت شود که دعوي ثالث به قصد تأخير و اطاله دادرسي يا تباني با طرف اقامه شده مثل اين که شخص ثالث نشانی خود را در حوزه ديگر يا حتي خارج از ايران تعيين کند که امر ابلاغ به تأخير افتد دادگاه می تواند دعوي اصلي را از ثالث جدا نمايد و اگر و اگر شخص ثالث محکوم به بي حقي يا بطلان دعوي شود دادگاه ضمن صدور حکم او را به تأديه دو برابر هزينه دادرسي به نفع صندوق دولت محکوم می نمايد .

ورود ثالث در دعوي تصرف عدواني

اگر دعوي تصرف عدواني در دادگاه مطرح شده باشد منعي براي ورود ثالث نيست چه ماده ۲۷۰ قانون آئين دادرسي مدني تقريباً صراحت بر اين امر هم دارد که هرگاه شخص ثالث در موضوع دادرسي اصحاب دعوي اصلي بر خود مسقلاً حقي قائل باشد يا می تواند وارد دعوا شود . اما چنان چه تصرف عدواني در دادرسي مطرح باشد ظاهراً شخص ثالث نمی تواند وارد دعوي گردد چه از ماده دوم قانون جلوگیری از تصرف عدواني چنين بر می آيد که هرگاه کسی مال غير منقول را که در تصرف غير بوده است عدواناً تصرف کرده باشد مأمورين حفظ انتظامات عمومي بايد با حکم کتبي دادستان محل ، مال مزبور را به تصرف شاکي بدهند که از روح اين ماده دانسته می شود که قانون طرز جلوگیری از تصرف عدواني قانون خاصی است و رسیدگی دادرسي وضع خاصی دارد و مقررات عمومي رسیدگی دادگاهها (که از جمله آنها دعوي وارد ثالث است) در رسیدگی دادرسي صدق نمی کند . در اين جا يك رأي از شعبه اول ديوانعالی کشور که در سال ۳۹ صادر شده نقل می گردد : در مرحله پژوهش از حکم دادرسي شخص ثالث می تواند وارد شود ولي اگر قرار رد دعوي او صادر شد اين قرار مشمول بنده از ماده ۵۲۴ دادرسي مدني نبوده و قابل فرجام نيست البته اين رأي شايد به خاطر اين موضوع بوده که در مرحله پژوهش معمولاً تشریفات دادگاهي حکم فرماست نه دادرسي ليکن نظر مخالف آن هم در دانش نامه حقوقی آقای دکتر جعفري لنگرودي مشاهده می شود به هر تقدير ديوان عالی کشور آرائي صادر نموده که دال بر ورود ثالث در دعوي تصرف عدواني است دو رأي زير به عنوان مثال نقل می شود اين دو رأي در سال ۱۳۱۹ از شعبه ديوان عالی کشور صادر شده است .

۱- وارد ثالث اگر مدعی شود که اقدامات خوانده اصلی به دستور وی بوده و گماشتگی از وی داشته تا وقتی که استقلال خوانده اصلی در تصرف و بطلان ادعای وارد ثالث محرز نشود باید به اظهارات وارد ثالث رسیدگی شود.
 ۲- هرگاه خوانده اصلی خود را در تصرفی که نموده مأمور دیگری بداند و آن دیگری هم به عنوان وارد ثالث وارد دعوا شود و گفتار خوانده اصلی را تصدیق نماید و دلیلی هم بر مستقل بودن خوانده اصلی در تصرف وجود نداشته باشد حکم به محکومیت خوانده اصلی بر خلاف اصول است .

خسارت دادرسی ورود ثالث

در مورد خسارت دادرسی دو حالت پیش می آید :

۱- شخص ثالث اگر مستقلاً برای خود حقی قائل باشد و ادعای حقی نماید و حکم هم به نفع او صادر شود خسارت دادرسی را از خواهان و خوانده اصلی که بالمناصفه است می گیرد و اگر بر بی حقی ثالث حکم صادر شود باید با محکوم علیه دیگر خسارت دادرسی محکوم له را بپردازد که آن هم بالمناصفه است .
 ۲- شخص ثالث اگر به حمایت از خواهان یا خوانده دادخواست داده باشد راجع به خسارت دادرسی دو عقیده عنوان شده است : بعضی گفته اند اگر محکوم له شود خسارت دادرسی را از محکوم علیه می گیرد و چنانچه محکوم علیه گردد باید خسارت دادرسی را با محکوم علیه دعوی اصلی مشترکاً به محکوم له بپردازد و بعضی دیگر اظهار عقیده نموده اند که چون شخص ثالث مستقلاً ادعای حقی نکرده و به حمایت یکی از طرفین دعوی اصل وارد شده و در واقع شخصیت مستقلی نیست اگر محکوم له شود نباید خسارت بگیرد و چنان چه محکوم علیه باشد نباید خسارت بدهد زیرا خسارت بین طرفین دعوی اصلی قابل محاسبه و مطالبه است و شخص ثالث به حمایت یکی از طرفین دعوی اصلی وارد شده و مستقلاً مسئولیتی ندارد رویه قضائی دادگاهها نیز معمولاً به همین ترتیب اخیر است .

مبحث دوم - جلب ثالث (مواد ۲۷۴ الی ۲۸۴ ق . آ . د . م .)

جلب ثالث یکی از دعاوی فرعی یا تبعی است که مانند ورود ثالث با دعوی اصلی توأم رسیدگی می شود دعوی جلب ثالث تحت دو عنوان ممکن است اقامه شود .

۱- یکی از طرفین دعوی اصلی (خواهان یا خوانده) مستقلاً بر ثالث ادعای حقی نمایند و محکومیت او را در مقابل خود بخواهد مثلاً کسی خانه ای را خریده و شخصی بر خریدار خانه اقامه دعوی نموده و ادعای مالکیت نماید و دلیلی هم داشته باشد (غیر از مواردی که ملک به ثبت رسیده باشد) خریدار خانه که محکومیت خود را احساس می نماید می تواند فروشنده خانه را به عنوان ثالث به دعوا جلب کند تا از لحاظ مسئولیتی که به عنوان ضمان درک دارد قیمت خانه را به خریدار بپردازد یعنی ثمن معامله را مسترد کند .

۲- یکی از اصحاب دعوی اصلی (خواهان یا خوانده) شخص ثالثی را به دعوی جلب نماید تا به او کمک کند و بتواند جواب دعوی طرف را بدهد مثلاً کسی به موجب سند رسمی یا عادی مبلغی بدهکار است و مقداری از بدهی خود را پرداخته و رسید گرفته با این وضع بستانکار به موجب صلح نامه رسمی حقوق خود را راجع به سند بدهکار مدیون به دیگری صلح نموده است و متصالح یعنی قائم مقام بستانکار بر علیه مدیون اقامه دعوا نموده و تمام مبلغ سند را مطالبه می نماید در این حالت مدیون می تواند بستانکار اولیه را به دعوی جلب نموده و به استناد رسیده که از او گرفته ثابت نماید که مبلغی از بدهی خود را پرداخته و صلح حقوق شامل تمام دین اولیه نبوده است در این مورد دادگاه اگر صحت دعوی را تشخیص دهد متصالح یعنی خواهان را فقط به میزان آن مقدار از بدهی که باقی مانده است ذیحق خواهد شمرد و در مورد آنچه که مدیون قبلاً بدان داده است برانت ذمه او را اعلام می نماید که این نوع دعوی جلب ثالث برای کمک تقویت مدیون به منظور اثبات بی حقی خواهان اصلی در مطالبه تمام مبلغ سند است این نوع جلب را جلب تقویتی هم می گویند که معمولاً پاره ای از اشخاص را به خاطر اطلاع آنها جلب می کنند ولی این روش که از اطلاعات مجلوب برای کمک به خود استفاده می شود بیشتر شباهت به شهادت دارد تا جلب و با شخص مطلع بهتر است معامله شاهد را کرد تا مجلوب .

دادخواست جلب ثالث

جلب ثالث به هر یک از دو صورت فوق که باشد باتقدیم دادخواست اقامه می شود و این موضوع از مواد ۲۷۴ تا ۲۸۰ ق . آ . د . م . استناط می شود با این وصف حکم تمیزی شماره ۱۴۸۸ - ۱۳۱۹/۷/۳۰ شعبه چهارم دیوانعالی کشور مقرر می دارد در آئین دادرسی مدنی شرط نشده است که درخواست جلب باید مستقل بوده جلب در آن تصریح شده باشد بنابراین رد درخواست (به استناد این که تشریفات قانونی از حیث استقلال دادخواست و موجبات جلب اعمال نشده) صحیح نیست . طبق ماده ۲۷۹ ق . آ . د . م . دادخواست جلب و جریان آن در هر مرحله تابع مقررات عمومی همان مرحله است یعنی از نظر ضمائم که بایستی به تعداد خواندگان به علاوه یک نسخه باشد و همچنین از نظر خواسته که

بایستی تقدیم شده و به میزان آن تمبر الصاق گردد خواسته دعوی جلب گاه همان خواسته خواهان اصلی است و زمانی با آن متفاوت می باشد اگر جلب به منظور کمک و تقویت خواهان یا خوانده وجوابگویی از دعوی اصلی باشد همان خواسته دعوی اصلی است ولی اگر محکومیت شخص ثالث تقاضا شده باشد ممکن است خواسته تفاوت نماید یا کمتر از خواسته دعوی اصلی باشد لکن خواسته دعوی جلب بیش از خواسته دعوی اصلی نیست اما شرط اصلی این است که خواسته دعوی جلب و دعوی اصلی متحد المنشاء باشند مثلاً در دعوی مالکیت خانه که مطرح شده بود اگر فروشنده خانه برای ثمن معامله به عوا جلب شود خواسته دعوی جلب ثالث پول است که با خواسته اصلی که مالکیت خانه است تفاوت دارد ولی دارای منشاء واحد هستند که آن منشاء معامله خانه است .

موعد دعوی جلب ثالث

هر يك از اصحاب دعوي مي تواند در مرحله نخستين يا پژوهش ارتجلاً و يا پس از طرح دعوي دادخواست جلب ثالث تقديم نمايند يعني جالب بایستی در مرحله نخستین در دادرسی اختصاری تا آخرین لایحه که خواهان و خوانده می دهند و در دادرسی تا آخر جلسه اول موع جلب ثالث را اظهار و کرده و ظرف سه روز دادخواست جلب را به دفتر دادگاه تسلیم نماید اگر حکم غیابی صادر شده باشد محکوم علیه غایب باید دادخواست جلب ثالث را با دادخواست اعتراض توأمأ به دفتر دادگاه بدهد و واخوانده تا موعدي که برای جواب دادن دارد می تواند دادخواست جلب تقديم می نماید . از نظر دادرسی دعوی جلب ثالث تابع جریان دعوی اصلی است یعنی اگر دعوی اصلی در مرحله بدوی اختصاری بوده دعوی جلب ثالث هم اختصاریست و اگر عادی باشد دعوی جلب هم عادی و در مرحله پژوهش نیز دعوی جلب به صورت تبادل لوایح خواهد بود .

رد دادخواست جلب ثالث

اگر دعوی جلب ثالث قانوناً عنوان جلب را نداشته باشد مثل این که در دعوی خواهان بر خوانده به مالکیت خانه خوانده هم ثالثی را به دعوا جلب و به استناد يك برگ سفته محکومیت او را تقاضا نماید که چون ثالث برآن اطلاق نمی شود دادگاه قرار رد دادخواست جلب ثالث را صادر می نماید یا اگر دادخواست جلب خارج از موعد داده شده باشد قرار رد دادخواست صادر می شود این قرار مستقلاً قابل پژوهش نیست بلکه محکوم علیه می تواند ضمن پژوهشخواهی از حکم از قرار رد دادخواست جلب هم پژوهشخواهی نماید و مرجع پژوهش اگر قرار را فسخ کند به دعوی جلب ثالث هم ماهیتاً با دعوی اصلی رسیدگی می نماید .

دعوی جلب ثالث ممکن است در مرحله نخستین یا پژوهش اقامه شود بنابراین اگر در مرحله نخستین اقامه شود و حکم دادگاه قابل پژوهش باشد در مرحله پژوهش هم به ماهیت دعوا رسیدگی می شود ولی اگر در مرحله پژوهش دعوی جلب ثالث اقامه فقط دريك درجه رسیدگی می شود و این استثنائی است بر اصل دو درجه بودن رسیدگی ماهوی به دعاوی موضوع ماده ۷ ق . آ . د . م . حضوری یا غیابی بودن حکم در دعوی جلب ثالث .

حکم دادگاه در دعوی جلب راجع به حضوری و غیابی بودن تابع حکم اصلی است انهاییه اگر مجلوب ثابت پاسخ دعوی را ندهد یا در دادرسی اختصاری حاضر نشود کسی که دعوی جلب ثالث را اقامه نموده می تواند با همان دادخواستی که داده رسیدگی به دعوا را مستقلاً به خواهد و این امر اختصاص به زمانی دارد که محکومیت مجلوب ثالث تقاضا شده باشد وگرنه چنانچه جلب ثالث به منظور کمک و تقویت باشد رسیدگی مستقل اثری ندارد چه مجلوب ثالث خوانده محسوب می شود و چه بسا ایراداتی که در شأن خوانده است می نماید یا بخواد دفاع مؤثری کند که با رسیدگی مستقل امکان ندارد بنابراین علی الاصول به دعوی جلب ثالث و دعوی با هم رسیدگی می شود ولی در موارد زیر استثناء است :

۱- هرگاه بر دادگاه معلوم شود که طرح دعوی جلب به منظور تبانی و تأخیر در دادرسی در این صورت چنانچه دعوی جلب به منظور تبانی باشد در صورت محکومیت جالب دادگاه مکلف است او را علاوه بر خسارات قانونی به دو برابر هزینه دادرسی به نفع دادرسی به نفع دولت محکوم نماید .

۲- اگر شخص ثالث در موعد مقرر (تبادل لوایح) پاسخ ندهد یا در روز جلسه (در دادرسی اختصاری) حاضر نشود و جالب رسیدگی به دعوی را علیه او مستقلاً با همان دادخواست جلب خواستار شود .

۳- طبق ماده ۶۵۱ ق . آ . د . م . هر گاه شخص مجلوب در دادگاه به داور با طرفین اصلی موافقت نکند دعوی اصلی به موافقت طرفین آن به داور ارجاع شده و به دعوی جلب مستقلاً رسیدگی می شود .

خسارت دادرسی در دعوی جلب ثالث

اگر در دعوی جلب ثالث محکومیت تقاضا شود در این صورت خواهان جلب اگر ذیحق تشخیص گردد خسارت دادرسی را از مجلوب می گیرد و اگر محکوم علیه شود باید به مجلوب خسارت بدهد ولی اگر دعوی جلب به منظور کمک و

تقویت باشد مجلوب ثالث با کسی که او را جلب نموده و در مقابل طرف اصلی در حکم واحد هستند و خسارت را طرف اصلی دعوا باید به محکوم له بپردازد .

مقایسه اجمالی در دعوی و ورود ثالث و جلب ثالث .

در خاتمه بحث با نگاهی اجمالی جهات اختلاف و تشابه دو دعوی ورود ثالث و جلب ثالث را مرور می نمایم .

الف - جهات اختلاف

- ۱- دعوی ورود ثالث در هر يك از مراحل نخستین و پژوهش مادام که ختم دادرسی نشده قابل اقامه می باشد لکن دعوی جلب ثالث در هر مرحله موعده مهین دارد .
- ۲- وارد ثالث برحسب این که به كمك خواهان آمده باشد یا خوانده گاه خواهان و گاه خوانده است و اگر مستقلاً حقی برای خود قائل باشد خواهان محسوب می شود اما مجلوب ثالث همیشه خوانده تلقی می گردد .

ب - جهات تشابه

- ۱- دعاوی جلب ثالث و ورود ثالث هر دو از دعاوی فرعی یا تبعی هستند که با دعوی اصلی توأم رسیدگی می شود .
- ۲- برای هر دو دعوی دادخواست رسمی و پرداخت هزینه دادرسی تشریفات رسیدگی لازم است .
- ۳- دعوی ورود ثالث و جلب ثالث دارای این خصوصیات هستند که بر خلاف ماده ۷ ق . آ . م . م . ممکن است فقط در يك مرحله مورد رسیدگی ماهوی قرار گیرند .
- ۴- چنان چه دعوی مذکور به قصد تبانی یا تأخیر در رسیدگی باشد به آنها جداگانه رسیدگی می شود .
- ۵- در هر دو دعوا خواسته از خواسته اصلی بیشتر نیست .
- ۶- در هر دو دعوی موضوع صلاحیت ذاتی و نسبی معمولاً پیش نمی آید .

نویسنده: هوشنگ احمدیان (دادرس دادگاه بخش کرمانشاه)
برگرفته از: بانک اطلاعات قوانین کشور